

15 SHURAT 1001

madde: Büsr b. EBİ ERTÂT

A.Br. : c. —, s. —

B.L. : c. IV, s. 2055

F.A. : c. , s.

M.L. : c. II, s. 680

T.A. : c. IX, s. 29

"BÜSR B. EBİ ERTÂT"
BİSR

922-9762
MUH. A

m-el-Emîn, "A'yâmü'l-İstâ", 2, 529-530

Busr b. Ebî Ertâ

B-TOPALDOLU

Watt, İslam düş. ter. devri, 91 (dn.27)

DIA Kütüphanesi'ne bağış.

27.3.1991

Abdulkerim Özaydin

DIA için farazi
A-3000

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No. :	11664
Tasnif No. :	297.9 HAT. K

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا »

(القرآن الكريم)

الجزء الثاني

دار الفكر

الطبعة "الثانية" ١٩٧٣م - ١٣٩٣هـ

Besr b. Ebu Erta (13-35)

18 EYLÜL 1991

بُسْرُ بْنُ أَبِي أَرْطَاةَ الْعَامِرِيِّ الْقُرَشِيِّ

فَتْحُ وَدَانَ^(٣) مِنْ يَسْبِيَا

« رَبِّ فَتَحَ قَدْ فَتَحَهُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ »
(عمر بن الخطاب)

نسبه وأيامه الأولى :

هو بُسْرُ بْنُ أَبِي أَرْطَاةَ ، واسم أبي أَرْطَاةَ : عُمَيْرُ بْنُ عَوَيْمِرِ بْنِ
عمران بن الحُلَيْمِ بْنِ سَيْتَارِ بْنِ نِزَارِ بْنِ مَعْيِصِ^(٤) ، بن عامر بن لؤي بن

(١) بسر : ثمر النخل قبل ان يربط ، والغض الطري من كل شيء ، والماء أول ما ينزل من
السحاب ، جمعه : بسار . انظر المعجم الوسيط (٥٥/١) ، وبه سمي الرجل .
(٢) أَرْطَاةَ : واحدة الأَرْطَى : نبات شجري ، ينبت في الرمل ويخرج من أصل واحد كالصفي ،
ورقه دقيق وثمره كالعناب ، وبه سمي وكفي . انظر المعجم الوسيط (١٤/١) وترتيب القاموس
المحيط (٩٨/١) . ومن كتبه : أَرْطَاةَ فقد أخطأ . وقد جاء اسمه في جمهرة أنساب العرب (١٧٠) :
بسر بن أَرْطَاةَ بن أبي أَرْطَاةَ وكذلك في الاستيعاب (١٥٧/١) ، وورد اسمه في المعارف (١٢٢)
بسر بن أَرْطَاةَ . أما في المصادر التاريخية ومنها تهذيب ابن عساكر (٢٢٠/٣) وفي نسب قريش (٤٣٩)
أيضاً ، فقد ورد : بسر بن أبي أَرْطَاةَ ، وبه أخذنا لشهرته .

(٣) ودان : كلمة ودان ، مأخوذة من الود ، وهو المحبة . وهي مدينة قديمة من مدن البربر
الجنوبية ويتبعها : زلة ، وهون ، وسوكنة ، وما جاورها ؛ ويطلق على الكل : بلاد ودان .
وكانت ودان زمن الفتح الإسلامي هي العاصمة ، وقد كان عليها سور ، وقد تهدم الآن فلم يبق منه
إلا آثاره ، وقد امتد عمراتها خارج السور . تقع ودان في الجنوب الشرقي من مدينة طرابلس الغرب
بنحو (٧٦٩) كيلومتراً ، والى جنوبي سرت بنحو (٢٨٠) كيلومتراً . انظر تاريخ الفتح العربي
في ليبيا (٤٧) ومعجم البلدان (٤٠٥/٨) .

(٤) في الاستيعاب (١٥٧/١) : ورد : معيص ، وهو تصحيف . انظر نسبه في جمهرة أنساب
العرب (١٧٠) ونسب قريش (٤٣٩) وأسد الغابة (١٧٩/١) والإصابة (١٥٢/١) .

BIBLIOGRAPHY

Burayda's entries in the Companion dictionaries e.g. Ibn 'Abd al-Barr's *al-Istī'āb fi ma'rifat al-aṣḥāb*, ed. 'Alī Muḥammad al-Bijāwī, Cairo 1960, and Ibn Ḥajar, *al-Iṣāba fi tamyiz al-ṣaḥāba*, ed. al-Bijāwī, 8 vols. Cairo 1392/1972, and those of his sons in the biographical dictionaries.

MICHAEL LECKER

Busr b. Abī Artāt

Abū 'Abd al-Raḥmān **Busr b. Abī Artāt** b. 'Uwaymir b. 'Imrān (c. 3–70/625–89)—from the clan of 'Āmir b. Lu'ayy of the Quraysh al-Zawāhir, who lived in the mountainous part of Mecca (al-Muṣ'ab al-Zubayrī, 439; Khalīfa b. Khayyāt, 27; Ibn Manẓūr, 4:524, s.v. *z-h-r*)—was a military commander in the service of Mu'āwiya b. Abī Sufyān. (In some sources Busr is called "b. Artāt" or "b. Arṭa'a," but Ibn Ḥazm (170) calls him "b. Artāt b. Abī Artāt, whose name is 'Umayr.")

There is no consensus on whether Busr was a Companion of the Prophet (*ṣaḥābī*): Syrian sources (*ahl al-shām*) and certain experts on the transmitters of Traditions (*'ulamā' al-jarḥ wa-l-ta'dīl*), such as al-Dāraquṭnī (d. 385/995), claimed that he was a *ṣaḥābī* who transmitted utterances and religious rules attributed to the Prophet (*sunan*), but Shī'ī sources and even some Sunnī scholars, such as Yaḥyā b. Ma'īn (d. 233/847), declared that Busr should not be granted the honorific of *ṣaḥābī*.

Busr took part in the invasion of Syria (13/634) (al-Ṭabarī, 3:407) and probably in the Egyptian campaign (20/639–40), under the command of 'Amr b. al-'Āṣ (d. 42 or 43/662 or 664). During the struggle between the caliph 'Alī b. Abī Ṭālib (r. 35–40/656–61) and the governor of

Greater Syria (al-Shām) Mu'āwiya b. Abī Sufyān, he participated in the battle of Ṣiffīn (37/657) in the Syrian army; he was later part of the pro-Umayyad force that tried to gain control of Egypt (38/658). The 'Alid governor of Egypt described Busr as one of the most courageous of Arab warriors (al-Ṭabarī, 4:552–3, 5:97–101).

After the failure of the arbitration (*tahkīm*), in 37/658, concerning the legitimacy of the caliphate of 'Alī, Mu'āwiya sent Busr to Medina, Mecca, and Yemen in order to subject these provinces to his rule. Busr was brutal, especially in Medina and Yemen. It was reported that he captured women from the Yemeni tribe of Hamdān and that this was the first time that Muslim women were taken captive by a Muslim army. The sources all state that he murdered two young sons of the fugitive 'Alid governor of Yemen, 'Ubaydallāh b. al-'Abbās, a cousin of 'Alī.

Mu'āwiya sent Busr to Basra to kill his opponents there. Busr arrested the young sons of Ziyād b. Abīhi (d. 53/673), 'Abī's governor in Fars, and threatened to kill them if their father would not join Mu'āwiya. He released them following the intervention of the caliph (al-Balādhurī, 1:492). Mu'āwiya declared himself caliph in 40/660 in Jerusalem, and was recognized by the major Muslim leaders in 41/661. Busr took part in some campaigns against Byzantine forces, including naval battles. In his last years, he became insane.

Sunnī sources prefer not to delve into the details of Busr's activities, as they consider these part of the Muslim civil wars (*fitan*) (Ibn Ḥajar, 1:289). Classical and modern Shī'ī authors, on the other hand, describe at length what they call his atrocities, which were, they believe, ordered by Mu'āwiya.

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد دوازدهم، تهران، ۱۳۸۳

بسر بن ابی ارطاة ۱۲۶

نامنی بکشاند، به بسر فرمان داد تا به ناحیه حجاز و یمن لشکر کشد و مردمان را به خلافت معاویه متمایل گرداند و هر که را که در طاعت امام علی(ع) دید، به قتل رساند (بلاذری، انساب، ۲۱۱/۳-۲۱۲؛ ابراهیم بن محمد، ۴۰۹). وی با لشکری که گفته اند خود افراد آن را برگزیده بود، به مدینه و مکه در آمد و در همدجا به بهانه خون خواهی عثمان، به تهدید و آزار مسلمانان پرداخت و دز موارد بسیاری تیغ بر مردمان، به ویژه دوستاناران امیرالمؤمنین علی(ع) کشید (همو، ۴۱۳-۴۱۴؛ طبری، ۱۳۹/۵).

بسر بر سر راه خود به یمن، به دو پسر عبیدالله بن عباس عامل امام علی(ع) بر یمن، دست یافت و ایشان را به بدترین گونه ای کشت (بلاذری، همان، ۲۱۳/۳-۲۱۴؛ ابراهیم بن محمد، ۴۲۰؛ نیز نک: طبری، ۱۳۹/۵-۱۴۰؛ ابوالفرج، ۲۶۶/۱۶). بسر در ادامه راه به طایف و آنگاه صنعا در یمن رفت و تا آنجا که می توانست از قتل و غارت باز نایستاد (بلاذری، همانجا؛ ابراهیم بن محمد، ۴۲۳-۴۲۴). تا آنکه سرانجام، جاریه بن قدامه سعدی به امر امام علی(ع) فتنه بسر را فرو نشانند (طبری، ۱۴۰/۵). وی پس از شهادت امام علی(ع) پیش قراول لشکریان معاویه در نبرد با امام حسن(ع) بود (بلاذری، همان، ۲۸۴/۳) و پس از ماجرای صلح، به فرمانداری بصره رسید (ابراهیم بن محمد، ۴۴۳-۴۴۵؛ طبری، ۱۶۷/۵-۱۶۸). وی در بصره به منبر رفت و زبان ناسزا بر امام علی(ع) گشود، اما مدت امارتش از ۶ ماه فراتر نرفت (همو، ۱۶۸/۵).

بنابر روایتی که صحت آن جای تردید بسیار دارد، واپسین فعالیت نظامی بسر، لشکر کشیهای او به سوی قسطنطنیه است که ظاهر آن از ۴۳ تا ۵۲ هجری ادامه داشته است (طبری، ۱۸۱/۵، ۲۱۲، ۲۳۴، ۲۸۷). از این پس، از احوال او اطلاع دیگری در دست نیست، جز آنکه گفته اند: وی در اواخر عمر به جنون مبتلا شده بود (نک: ابراهیم بن محمد، ۴۴۲؛ بلاذری، همان، ۲۱۶/۳، ۲۸۱/۱۱). در باب تاریخ مرگ او نیز در منابع اختلاف است و آن را از زمان معاویه تا عهد عبدالملک گفته اند و برخی بر حیات او در عهد عبدالملک تأکید کرده اند (بلاذری، همان، ۲۷/۱۱؛ ابن عبدالبر، ۱۶۶/۱؛ ابن اثیر، ۱۸۰/۱؛ ابن حجر، ۱۴۸/۱).

مآخذ: ابراهیم بن محمد تقی، الفارات، به کوشش عبدالزها حسینی، بیروت، ۱۳۰۷/۱ق؛ ۱۹۸۷م؛ ابن اثیر، علی، اسدالغابة، قاهره، ۱۲۸۰ق؛ ابن اعمش کوفی، احمد، الفتوح، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۹ق؛ ابن حجر عسقلانی، احمد، الاصابه، قاهره، ۱۳۲۸ق؛ ابن حزم، علی، جهوره انساب العرب، قاهره، ۱۹۸۲م؛ ابن عبدالبر، یوسف، الاستیعاب، به کوشش علی محمد بجاوی، قاهره، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۰م؛ ابن عساکر، علی، تاریخ مدینه دمشق، عثان، دارالشیر؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، قاهره، دارالکتب المصریه؛ احمد بن حنبل، مسنده، قاهره، ۱۳۱۳ق؛ بلاذری، احمد، انساب الاشراف، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م؛ همو، فتوح البلدان، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۶۵م؛ ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعيب ارتووط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۵ق؛ همو، العبر، به کوشش صلاح الدین منجد، کویت، ۱۹۸۴م؛ طبری، تاریخ؛ نصر بن مزاحم، وقعه صفین، به کوشش عبدالسلام هارون، قاهره، ۱۳۸۲ق؛ یحیی بن معین، التاریخ، به کوشش احمد محمد نورسیف، مکه، ۱۳۹۹ق؛ احمد رضا خضری، یقوی، احمد، التاریخ، بیروت، دارصادر.

محمد ملک الکتاب شیرازی، بمبئی، ۱۳۲۴ق؛ میرزایف، عبدالغنی، ابواسحاق و فعالیت ادبی او، دوشنبه، ۱۹۷۱م؛ نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، ۱۳۴۴ش؛ هدایت، رضاقلی، ریاض الساریقین، تهران، ۱۳۱۶ش؛ همو، مجمع الفصحاء، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، ۱۳۳۹ش؛ نیز: EI²; Iranica.

مریم مجیدی

بُسْر بن ابی ارطاة، ابو عبدالرحمان، از سرداران معاویه بن ابی سفیان. نام بسر معمولاً به نیایش ابوارطاة اضافه شده است، اما از آنجا که پدرش ارطاة نام داشت (ابن حزم، ۱۷۰؛ ابن عبدالبر، ۱۵۷/۱)، در برخی از منابع، نام وی به گونه بسر بن ارطاة نیز آمده است (همانجاها؛ نیز نک: ابن اعمش، ۳۳۲/۱). وی قریشی بود و از بنی معیص بن عامر بن لؤی شمرده می شد (بلاذری، انساب، ۲۷/۱۱؛ ابن حزم، همانجا).

بسیاری از تاریخ نگاران و رجال شناسان تأکید کرده اند که بسر در زمان وفات رسول اکرم(ص) آن اندازه خردسال بود که نمی توانست حدیثی از آن حضرت استماع کند (بلاذری، همانجا، فتوح، ۲۲۸؛ ابن عساکر، ۲۹۶/۳؛ ذهبی، سیر، ۴۱۰/۳؛ ابن حجر، ۱۴۸/۱) و به قول یحیی بن معین، اهل مدینه صحابی بودن او را نمی پذیرفته اند (۵۸/۲). با اینهمه، به سبب آنکه دست کم دو حدیث نبوی از قول او نقل شده (احمد ابن حنبل، ۱۸۱/۴)، موضوع صحابی بودن او مورد بحث و مناقشه بوده؛ البته ممکن است که بسر این احادیث را خود به طور مستقیم از پیامبر اکرم(ص) روایت نکرده باشد، اما اصحاب حدیث در شام، بنا به برخی عقاید خود، به اینکه نام او را میان اصحاب بنهند، تمایل داشته اند؛ همچون ذهبی که خود اقوالی در رد صحابی بودن او نقل کرده است (همانجا)، سرانجام، او را از صحابیانی دانسته است که با معاویه همراهی می کرده اند (العبر، ۴۹/۱-۴۲).

بنابر روایتی، بسر از جمله کسانی بود که در زمان خلافت ابوبکر، تحت فرماندهی خالد بن ولید در شام خدمت می کردند (طبری، ۴۰۷/۳). ولی با توجه به تاریخ تولد بسر، موضوع شرکت او در پیکارهای این دوره نیز سخت تردید برانگیز به نظر می رسد (نک: بلاذری، همانجا). همچنین گفته اند که او به هنگام فتح مصر، همراه عمروعاص بوده (یعقوبی، ۱۵۶/۲؛ ابن عساکر، ۲۹۵/۳؛ ابن حجر، همانجا)، و در ۲۷ یا ۲۹ق نیز در فتوح شمال آفریقا، در لشکر عبدالله بن سعد بن ابی شرح، شرکت جسته است (بلاذری، همان، ۲۲۶).

در زمان خلافت امیرالمؤمنین علی(ع)، بسر به معاویه پیوست و از این پس، یکی از کارگزاران مهم او به شمار می رفت. در طول پیکار صفین، بسر یکی از معتمدان معاویه بود (نصر بن مزاحم، ۴۴، ۴۲۷). وقتی یاران معاویه، در صفین آب بر سپاهیان امام علی(ع) بستند، بسر از جمله سرکردگان لشکر معاویه بود (همو، ۱۵۷) و در طول جنگ نیز گرچه از رویارویی مستقیم با امیرالمؤمنین علی(ع) می هراسید، اما سرانجام وقتی ناچار به مقابله با آن حضرت شد، در حرکتی مشابه عمروعاص، به حیلۀ زشتی خود را از مرگ رهانید (همو، ۴۶۰-۴۶۱). پس از نبرد صفین، وقتی معاویه مصمم شد که قلمرو خلافت را به

دانشنامه جهان اسلام، (۳)، تهران ۱۳۷۶، IRCICA. DN 36948

بسرین ارطاة

۴۰۴

بُسْرین ارطاة (یا ابی ارطاة) عُمَیر بن عُوَیمِر (یا عُوَیم) یکی از سرداران معاویه بن ابی سفیان. از تیره بنی عامر قریش، و مُکَنّی به ابو عبدالرحمان یا ابو عبدالله بود (زبیری، ص ۴۳۹؛ شباب، ۱۹۶۶-۱۹۶۹، ج ۱، ص ۶۰؛ بخاری جعفری، ۱۴۰۷، ج ۱، قسم ۲، ص ۱۲۳؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۹۷). اگرچه مورخان شامی و برخی دیگر، بسر را از صحابه دانسته‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را درک و از او روایت کرده است (ابن سعد، ج ۷، ص ۴۰۹؛ ابونعیم، ج ۳، ص ۱۲۹؛ ابن عبدالبر، ج ۱، ص ۱۵۷؛ طوسی، ص ۱۰؛ ذهبی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۴۰۹)، اما به گفته محمد بن عمر واقدی، بسر دو یا سه سال پیش از رحلت رسول اکرم تولد یافت. با توجه به این مطلب، برخی صحابی بودن او را با قاطعیت رد (ابن معین، ج ۲، ص ۵۸؛ بسوی، ج ۲، ص ۴۷۸؛ ذهبی، ۱۴۱۰، حوادث و وفیات ۶۱-۸۰، ص ۳۶۹) یا در آن تردید (ابن عدی، ج ۲، ص ۴۳۸-۴۳۹) کرده‌اند. بر این اساس، در روایاتی که احتمالاً تحت تأثیر دیدگاه نخست، از حضور بسر در فتوح صدر اسلام سخن گفته‌اند، باید احتیاط کرد. در جریان لشکرکشیهای مسلمانان در سال سیزدهم در شام، بسر به فرمان خالد بن ولید، به روستاهایی در غوطه دمشق حمله کرد (بلاذری، ۱۹۵۶، ص ۱۳۲؛ طبری، ج ۳، ص ۴۰۷؛ برای دیگر روایتها ← شباب، ۱۹۶۷-۱۹۶۸، ج ۱، ص ۱۳۶؛ ابن عبدالبر، همانجا). در ۲۱ که عمرو بن عاص بخشهایی از افریقیه را گشود، به فرمان او، بسر به حملاتی دست زد که به صلح با مردم وَدَّان و فِرَّان انجامید (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۶؛ قس بسوی، ج ۳، ص ۳۰۹، که حمله به وَدَّان را در ۲۶ دانسته است). در ۲۳ نیز به لوبیا (لیبی کنونی) لشکر کشید (بسوی، ج ۳، ص ۳۰۷) و در ۲۷، که عثمان به والی خود در مصر دستور ادامه پیشروی در افریقیه را داد، بسر همراه با لشکری امدادی، از مدینه بدان سو حرکت کرد (بلاذری، ۱۹۵۶، ص ۲۶۷). پس از آن، احتمال می‌رود که بسر در مصر اقامت گزیده باشد. در آغاز خلافت امام علی علیه السلام، بسر در شمار بزرگان عرب ساکن خَرَبَیْنا (از «کوره»های مصر) هواخواه معاویه و در سلک عثمانیه بود (ابن سعد، همانجا) و در آستانه جنگ صفین به معاویه پیوست و از فرماندهان سپاه شد (نصرین مزاحم، ص ۴۴، ۴۴؛ ابن اعثم کوفی، ج ۲، ص ۵۱۸). وی در نبرد تن به تن با علی علیه السلام با آشکار کردن شرم خویش از مهلکه رهایی یافت (نصرین مزاحم، ص ۴۵۹-۴۶۲؛ ابن عبدالبر، ج ۱، ص ۱۶۴-۱۶۵) و در کشاکش با یاران آن حضرت نیز پایداری و شجاعتی نمود (← نصرین مزاحم، ص ۴۲۶-۴۲۹؛ ابن اعثم کوفی، ج ۳، ص ۴۲-۴۳، ۱۳۲-۱۳۳). وی بعداً در زمره نمایندگان سپاه شام در توافقتنامه حکمیت حضور یافت (نصرین مزاحم، ص ۵۰۷) و پس از آن همچنان از مشاوران نزدیک و

معتمد معاویه بود (طبری، ج ۵، ص ۹۸). معاویه در ادامه حملات سردارانش در عراق، در آغاز ۴۰، بسر را با سه هزار سپاهی از شام گسیل کرد تا به یمن بنزاد (ثقفی، ج ۲، ص ۵۵۴، ۵۹۱-۶۰۲؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۹۷؛ طبری، ج ۵، ص ۱۳۹-۱۴۰؛ ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۶؛ قس بخاری جعفری، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۱۱: ۳۷؛ ابن عساکر، ج ۱۰، ص ۱۰: ۳۹؛ طبری، ج ۵، ص ۱۷۶: ۴۳؛ ثقفی، ج ۲، ص ۶۲۵؛ ششصد تن یا بیشتر، ضمن سخنانی از علی علیه السلام؛ ابن اعثم کوفی، ج ۴، ص ۲۳۱؛ چهار هزار تن). هدف از این اقدام، تعقیب و کشتار و غارت شیعه و هواخواهان امیرالمؤمنین و ارباب مردم و اخذ بیعت از آنان بود (زبیری، ص ۴۳۹؛ ثقفی، ج ۲، ص ۵۹۸-۶۰۰، ۶۵۳-۶۵۶؛ یعقوبی؛ ابن اعثم کوفی، همانجا). با ورود بسر به مدینه، ابوالیوب انصاری، عامل علی علیه السلام، گریخت، و بسر با مردم خصوصاً انصار بدرشتی تمام سخن گفت و آنان را به دلیل کوتاهی کردن در ماجرای قتل عثمان نکوهید و به نام معاویه از مردم بیعت ستاند؛ سپس خانه‌های انصار را به آتش کشید و پس از گماشتن ابوهریره در مدینه، به مکه رفت (ثقفی، ج ۲، ص ۶۰۲-۶۰۷؛ مسعودی، ج ۳، ص ۲۱۱؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ طبری، ج ۵، ص ۱۳۹). به گفته واقدی، بسر طی یک ماه اقامت در مدینه، هر که را متمم به شرکت در شورش بر عثمان بود، کشت (طبری، ج ۵، ص ۱۷۶؛ ابن عساکر، ج ۱۰، ص ۱۰-۱۱). وی در مدینه و در راه مکه، به قتل و غارت خزاچه و دیگران پرداخت (ثقفی، ج ۲، ص ۶۰۸؛ مسعودی، همانجا). با نزدیک شدن بسر به مکه، قُتَم بن عباس، عامل حضرت علی علیه السلام، شهر را ترک کرد و بسر پس از گماشتن شیبیه بن عثمان حجیبی (ثقفی، ج ۲، ص ۶۰۸-۶۰۹؛ ابن اعثم کوفی، ج ۴، ص ۲۳۳-۲۳۴)، به رغم فرمان معاویه (ثقفی، ج ۲، ص ۶۰۰)، جمعی از خاندان ابی لهب را در مکه از میان برد و به سوی طائف رفت (ابوالفرج اصفهانی، اغانی، ج ۱۶، ص ۲۶۶). او از آنجا گروهی را برای کشتار شیعه علی علیه السلام به تباله در یمن فرستاد، اما بعداً آنان را امان داد (ثقفی، ج ۲، ص ۶۰۸-۶۱۱)؛ هر چند به روایت ابن اعثم کوفی (ج ۴، ص ۲۳۴-۲۳۵)، مردم تباله همگی از پای درآمدند. بسر در سَراة نیز جمعی دیگر از یاران حضرت علی علیه السلام را به قتل رساند (ابوالفرج اصفهانی، همانجا) و در راه صنعا، دو پسر خردسال عبیدالله بن عباس را که نزد بنی‌کنانه به سر می‌بردند، سر برید (ثقفی، ج ۲، ص ۶۱۴-۶۱۶، قس ص ۶۱۱-۶۱۳، ۶۲۱)؛ سپس در نَجْران، و مناطقی دیگر از یمن، چون اَرْحَب و جُرف و جِشْان، بسیاری از قبیله همدان و بنی سعد و دیگر شیعیان علی علیه السلام را به طرز فجیعی کشت و زنان آنان را به اسارت گرفت (ثقفی، ج ۲،

شهری بستک دارای يك بیمارستان، ۱۵ مسجد و يك کتابخانه با ۳۰۸۹ جلد کتاب است. در ۱۳۶۳ ش ۶ مدرسه در بستک دایر بوده که رویهم رفته ۸۰۱ دانش آموز در آنها درس می خواندند. مردم بستک مسلمان و بیشتر آنها پیرو مذهب سنت (شافعی) هستند، اما در پاره ای روستاها مانند رویدر شیعیان نیز زندگی می کنند. مردم بخش بستک به یکی از گویشهای فارسی و اندکی نیز به عربی سخن می گویند.

منابع: شناسنامه شهرهای کشور، ۱۳۴۶، ج ۲۴؛ استان هرمزگان، آمارنامه استان هرمزگان، ۱۳۶۴؛ جغرافیای کامل ایران، ۱۲۵۳/۲ - ۱۲۵۴؛ سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۶۵، ش ۶۷.

بُسْرین اَرطَاة (یا ابن ابی ارطاة)، ابو عبدالرحمان (م ۸۶ ق) صحابی. در کودکی اسلام آورد. در خلافت عمر در فتح شمال آفریقا شرکت داشت. در خلافت حضرت علی (ع) به معاویه پیوست و از نزدیکان وی گردید. در جنگ صفین شرکت داشت و سردار عقبه سپاه معاویه بود. وی در جنگ تن به تن با قیس بن سعد و باری دیگر با حضرت علی (ع) شکسته شد و هر دو بار توانست با توسل به نیرنگ جان خویش را از مهلکه بیرون برد. در سال ۳۹ ق معاویه وی را با ۳۰۰۰ سپاهی به مدینه فرستاد. چون خبر به حضرت علی (ع) رسید، جاریه بن قدامة سعدی را با ۲۰۰۰ کس و وهب بن مسعود را با ۲۰۰۰ دیگر به دفع بسر فرستاد. بسر از مدینه به مکه و از آنجا به یمن رفت و با رسیدن وی به یمن عبدالله بن عباس که ولایتدار حضرت امیر (ع) در یمن بود از آنجا بیرون رفت و بسر بر دو تن از پسران خردسال عبیدالله به نامهای عبدالرحمان و قثم دست یافته ایشان را بکشت. وی دست به کشتار هواداران حضرت علی (ع) در یمن زد و گروه بسیاری از ابنا (= آزادگان ایرانی) را که از امام طرفداری می کردند به دم تیغ سپرد. پس از آنکه امام حسن (ع) با معاویه صلح کرد، معاویه بسر را به حکومت بصره فرستاد (۴۱ ق). وی در بصره نیز به آزار و کشتار هواداران اهل بیت پرداخت و با سخت گرفتن بر خویشان زیاد بن ابیه که ولایتدار حضرت امیر (ع) در فارس بود وی را ناگزیر به بیعت با معاویه و پیوستن به او ساخت. پس از چندی معاویه فرماندهی ناوگان مسلمانان را به بسر داد و او در سال ۵۰ در غزو با رومیان شرکت داشت و تا قسطنطنیه پیش رفت. در اواخر زندگی به بیماری دماغی گرفتار آمد، اما معاویه همچنان وی را حرمت می گذاشت و به خود نزدیک می داشت. به گفته برخی منابع بسر دو حدیث از پیامبر (ص) روایت کرده است، اما رجال نویسان شیعه می گویند که چون پیامبر (ص) در کودکی بسر رحلت فرمود، وی نمی توانست از ایشان حدیثی روایت کند و این داستان را شامیان که در اختلاف میان حضرت علی (ع) و معاویه از پسر ابوسفیان هواداری می کردند بر ساخته اند. ابن ارطاة مانند ابن ملجم و ابن زیاد از چهره های منفور تاریخ اسلام به شمار می آید. وی حدود ۹۰ سال بزیست.

منابع: اعیان الشیعة، ۵۶۵/۳ - ۵۶۶؛ اعلام، ۵۱/۲؛ مروج الذهب، ترجمه، ۱۰/۲ به بعد؛ تاریخ طبری، ترجمه، ۲۲/۷ - ۲۶، ۲۷؛ تاریخ یعقوبی، ترجمه، ۴۵/۲.

عقاید زردشتیان و یهودیان و عیسویان و هندوان و متشرعان و صوفیان احوال و شرایط پیر و مرید و مراد و سلوک و سالک و اصطلاحات صوفیان و عارفان؛ باب چهارم، در بیان اسامی جغرافیایی شهرها و روستاهای واقع در ایران و ترکستان و افغانستان و هندوستان و بخشی از اروپا و چین و ختا و کشورهای عضو امپراتوری عثمانی مانند شامات و مصر و جز آن به ترتیب حروف الفباء، در بیان اوضاع جغرافیایی هر جایی، نام هاشمندان و بزرگان آن از اهل فضل و عرفان را که دیده یا شنیده یاد کرده و به شرح زندگی و افکار و آثار ایشان پرداخته است. سیر در بیان مقدمات و ترتیب کتاب و بیان برخی مطالب مناسب آن است. گلشن، در بیان شهرها و اشخاص آن که مقصد اقصای کتاب است و شمار آن برابر حروف الفباست، چنانکه گلشن اول در حرف الف و گلشن بیست و هشتم در حرف یاء است. بهار مشتمل است بر چهار گلزار: گلزار اول، در بیان خواب دیدن و تعبیر آن و تحقیق برخی مراتب که مناسب آن است از تعبیر و تأویل و سیر و رؤیای اهل سلوک بر سیل اجمال؛ گلزار دوم در یاد کردن برخی محل ها که هنگام جهانگردی دیده شده و در آنجا منزل کرده است؛ گلزار سوم، در بیان اخبار متفرق و حکایتهای مختلف؛ گلزار چهارم در خاتمه این دفتر غربت سیر. او از سال ۱۲۴۷ تا ۱۲۴۸ ق مشغول نگارش این کتاب بوده است. در شرح شهر «شماخی» (از شیروان) شرح حال خود را نگاشته است. وی عمری دراز کرده است. کتاب *بستان السیاحة* در سال ۱۳۱۰ ق به همت صدراعظم میرزا علی اصغرخان در تهران به چاپ رسیده است.

منابع: الذریعة، ۱۰۶/۳؛ *بستان السیاحة*. محمدحسین روحانی

بستک، شهر (جمعیت در ۱۳۶۵ ش، ۵۴۶۹ نفر) مرکز بخش بستک (جمعیت در ۱۳۶۴ ش، ۵۰۰۰۰ نفر)، شهرستان بندر لنگه، استان هرمزگان، بستک در ۵۴ درجه و ۲۳ دقیقه طول شرقی، ۲۷ درجه و ۱۳ دقیقه عرض شمالی، در ۱۷۰ کیلومتری شمال غربی بندر لنگه، ۲۶۰ کیلومتری بندرعباس و ۱۷۰ کیلومتری لار قرار دارد. بخش بستک که پهناورترین بخشهای بندر لنگه است ناحیه ای کوهستانی است و ارتفاع کوه گاوبست که در شمال آن واقع است به ۲۱۶۵ متر می رسد. آب بستک از رود و چاه است و مهمترین رودهای آن مهران، شور گوده و رویدر نام دارند و تقریباً همه آبادیهای بستک در حاشیه این رودها قرار دارند. هوای بستک گرم و خشک است و در تابستان بادهای سوزانی در آنجا می وزد که هوا را گرم و خفه کننده می سازد. بخش بستک ناحیه ای کشاورزی و دامداری است و از مهمترین فرآورده های کشاورزی آن گندم، جو، خرما، میوه های جالیزی، گیاهان علوفه ای و مرکبات را می توان یاد کرد. بخش بستک دارای چهار دهستان به نامهای بستک، گوده، فرامرزان و رویدر است و این دهستانها رویهم رفته ۱۵۹ آبادی دارند. مردم بستک عمدتاً به کشاورزی و دامداری می پردازند. در روستاها برخی صنایع دستی مانند حصیربافی، قلیان سازی و عبا بافی نیز هنوز کمابیش رونق دارد. مرکز

Busr b. abī artāh, abu Abūllah al-kuraṣī
(v. 86/705)

BUSR ibn-abi-ARTĀH, military leader at the time of the Arab conquest* (VIIth century), reputed for his personal courage. The climax of his military career was an expedition against the Byzantines, in the course of which the Arabs won a splendid naval victory (Battle of Dhū al Sawārī* 655 A.D.). He was a faithful adherent of Caliph Mu'āwiyah* in his struggle against 'Alī*, and cruelly persecuted all 'Alid partisans, especially during his office as governor in Basrah.

RONART, Stephen and
Nandy CEAC, S.105.
1959 (AMSTERDAM)